

خزده شتاجازت مراجعت خواستیم و در وقت بیرون آمدن در پیش روی ایشان گفت
کسی را که اجازت بیاع دادند آن زمان اجازت خوردن ویدن هست و آنچه آن عالم
کرده است نیکو نبوده است آنچه دلال اجازت نکرده بود می توانست که در آن حال
کنند و آن زله را بشنود باز که دادند بیکبار دیگر با جمعی اتفاق زاریت و یک افتاد در وقت
بازگشتن یکی از ایشان را در خاطر کرده بود که آن حضرت مولانا را که میخواست میباید
که قدمشش ترک بمن دهد چون ویرا خبر داد که آن شخص را آواز داد که بکشاغف
باش بخانه بدون رفت و بلیطی مویز بیرون آورد و بوی داد و گفت معذورم
که در زبانههای ما کشتن می باشد بیکبار بیولوی وی نماز شامی گذارده و چون
و پرامعلوب و مستغرق با قسیم که کوی بخود شعوری نداشته و در دنیا هر که میباید
کاهی دست چپ را بالای دست راست میفازد و کاهی راست را بالای چپ لونی رقیه
تعالی لیاقه بود الا نشین العاشری ذی القعدة سنه الثین و ستین و ثمان مائه و
وین در پیروانست **مولانا طهیر الدین خلیف رحیمه الله** وی جامع بوده میان
علوم ظاهری و باطنی مولانا زین الدین ابوالکیر تا سپادی میفرموده است که در
طاسر فلک مثل ظهیر الدین کسی دائم مرید شیخ سیف الدین خلیف است و در
سال در خدمت و صحبت وی بوده است و شیخ سیف الدین در سنه ثلاث و ثمان
و سنه جامة از دنیا رفته است و قبر وی در حواله خلیف است هر سربل که در کماه شیخ
سیف الدین مرید شیخ خلیف خلیف است که میگوید که هر که که در حواله مرید کتب شعول

مشق

شدی آواز او چها فرسند برفتی و پهلوان محمود پیکار و عاصری بوده و او می
داشته شیخ ظهیر الدین فارسی سینه بوده وی گفته که چون قرآن را تا مرا استناده
حضرت رسالت صلوات الله علیه و سلم را شنیدیم در مواضع دیده گفت ظهیر الدین
قرآن را بر من بخوان از اول تا آخر روی خواندم کوشید که وقتی در این وقت نشسته بود
چهار نفوس افتاد و کرد با بکنده جو شیده هر چه روز بیک وقت گویند که هر که
که بر بارگت گاه در حق چون از بل کانه که گذشتی با ی هر هندی رفتی که از
اولیاء الله شرف میدارم که با ی عقلین بروی ایشان زخم در تاریخ سنه ثمان
از دنیا رفته و قبر وی در حواله خلیف است در حواله شیخ وی **شیخ رحیم الدین**
ذکریا اسلمانی قدس سره وی تخصص علوم ظاهری و باطنی آن کرده بوده
بعینا که با نرزه سال بدیس و افاده علم مشغول بوده و هر روز هفتاد مرتبه از صلوات
و هفتاد استغفار می کرد در عزت حج و در وقت مراجعت از حج بعینا رسیدند
خانقاه شیخ شهاب الدین سهروردی تروی کرد و مرید شدند و این همه منزلت
انان استنانه یافت شیخ خیر الدین عراقی و امیر حسینی است بعینا وی قائم مقام
وی در مسند ارشاد فرزندان وی شیخ صدق الدین بوده است و امیر حسینی در
کتاب کتالرموز در مدح هر دو نشان گفته است **شعر** شیخ هفتاد و نوبت ایام
واضاح حضرت ندیم که با ی مخبولت بها شرح و بدین **جان پاکتر شیخ صدق الدین**
از وجود او ببرد و نشان **جنت الماوی** شده هر دو نشان **مریدان**

مشق